



پښتونستان ښوونځي  
پښتونستان ښوونځي  
پښتونستان ښوونځي



# ايرانشناسي

دکتر احمد رضايي  
مهناز ظهيري نژاد



پڙهه ڪاھ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## ایرانیان کُرد؛ نگاهی به تاریخ سیاسی، فرهنگ و هویت کُردها

### چکیده:

کُردها یکی از اقوام بزرگ ایرانی هستند که در منطقه نسبتاً وسیعی در غرب کشور زندگی می‌کنند. اگرچه قلمرو فعلی کُردها بین کشورهای ایران، سوریه، ترکیه و عراق پراکنده شده است اما در عین حال قبل از تجزیه، این منطقه نسبتاً وسیع، تماماً در حوزه قلمرو سیاسی ایران بزرگ قرار داشت. کُردها دارای فرهنگ و خصوصیات فرهنگی و اشتراک‌های هویتی با مردمان ساکن در ایران هستند که موجب پیوند و انسجام آنان با سایر هم‌میهنان خود در ایران شده است.

با توجه به نقش و جایگاه قوم کُرد در تحولات سیاسی - اجتماعی کشور و جایگاهی که منطقه کُردستان در فرهنگ و اقتصاد ملی ایفا نموده است، در این شماره از فصلنامه در نظر است، قوم کُرد و منطقه کُردستان از دو نگاه، یکی از نگاه تحولات تاریخی و تاریخ سیاسی اجتماعی و دیگری از منظر فرهنگی و اجتماعی معرفی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

در مقاله نخست تحت عنوان "کُردها و کُردستان در گذر زمان" واژه کُرد و منشاء تاریخی این واژه، اقوام ساکن در سلسله جبال زاگرس به‌ویژه کُردها در پهنه چند هزار ساله و سرنوشت آنان در پرتو تاریخ مورد بررسی قرار گرفته و تلاش شده است از بُعد تاریخی سیر تحول مذهب و زبان این قوم تجزیه و تحلیل شود. در مقاله دوم با عنوان "فرهنگ و هویت ایرانیان کُرد" سعی شده است به اختصار ویژگی‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و رفتاری کُردها در ایران به‌ویژه استان کُردستان معرفی شود.

## کردها و کردستان در گذر زمان

احمد رضایی \*

### مقدمه

حضور دیرپای مردمان کُرد در بخش وسیعی از مناطق غربی کشور سالهاست که زمینه انجام تحقیقات علمی و پژوهش‌های کُردشناسی را فراهم آورده است. در این نوشتار بحث را از واژه "کُرد" یا جمع آن "اکراد" و سپس محل زندگی این قوم یا کسانی که با این اسم مشهور هستند، یعنی "کُردستان"، آغاز می‌کنیم.

### ریشه‌شناسی واژه کُرد

درباره ریشه اصلی لغت کُرد دو فرضیه اساسی وجود دارد:

(الف) کُرد به عنوان نام یک قوم باستانی

(ب) کُرد به عنوان واژه‌ای که تاریخ‌نگاران اسلامی برای اولین بار آن را استعمال بکار

برده‌اند.

بعضی از متفکران و ناسیونالیست‌های کُرد معتقدند که واژه کُرد ناشی از نام اقوام قبایل باستانی مانند "گُردو" یا "قوردو" می‌باشد که در حدود ۳۰۰ سال قبل از میلاد مسیح در سلسله جبال زاگرس زندگی می‌کرده‌اند. (۱) دیوید مک دوال معتقد است قبایلی که لشکر ده هزار نفری گزنفون را تا کناره‌های دریای سیاه تعقیب کرده‌اند (حدود ۴۰۰ قبل از میلاد)، "کار دو" نامیده می‌شده‌اند و ممکن است نیاکان اکراد فعلی باشند. (۲)

\* دکتری جامعه‌شناسی و عضو هیأت علمی دانشگاه مازندران

**کلید واژه‌ها:** زرتشت، سوران، قادری، کُرد، کُردستان، کُردمانچ، کلهر، گوران، لری، لکی،

نقشبندی و هورامانی

ولی واسیلی نیکیتین کُردشناس بزرگ روسی تبار فرانسوی معتقد است مشابهت ظاهری بین بعضی کلمات فعلی و بعضی نام‌های اقوام باستانی که ممکن است کلماتی از زبان‌های باستانی باشند و تلفظ‌های گوناگونی دارند، باید با دقت بیشتری به کار گرفته شوند؛ در غیر این صورت منشاء اشتباهات زیادی خواهند شد.

پروفسور مینورسکی و واسیلی نیکیتین معتقدند که برای دستیابی به منشاء اصلی واژه کُرد باید لغت "کُرمناچ" که برخی کردهای فعلی خود را با آن معرفی می‌کنند، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. به عقیده مینورسکی، واژه کُرمناچ دارای سه بخش است؛ کُر + مان + ج. "ج" پسوند است و می‌توان آن را حذف کرد. "مان" ارتباط بسیار قوی با "ماد" یا "مانائی" دارد و ماردها نیاکان مادهای فعلی می‌باشند. فرضیه مینورسکی به وسیله مسعودی، مورخ بزرگ اسلامی، نیز تأکید می‌شود. زیرا وقتی مسعودی نیاکان کردها را براساس علم‌الانساب اعراب برمی‌شمارد، چنین بیان می‌دارد: "کُرد ابن، مرد ابن، سعسعه بن ... سام." یعنی "مردها" را از نیاکان اکراد می‌شمارد، در نتیجه با تجزیه و تحلیل واژه کُرمناچ فعلی منشاء لغت کُرد مشخص می‌شود و هم‌چنین منشاء مادی بودن آنها اثبات می‌شود. (۳)

گروهی عقیده دارند که عرب‌ها برای اولین بار واژه کُرد را در قرن هفتم میلادی مقارن با ظهور اسلام، برای نام‌گذاری اقوام و قبایل ایرانی به کار برده‌اند. (۴)

ژنرال احسان نوری پاشا، فرمانده قیام آرات، علیه ترک‌های جوان در سال‌های (۳۰-۱۹۲۶) بیان می‌دارد که چرا عرب‌ها همه ایرانیان را به نام کُرد یاد می‌کنند. وی مهم‌ترین دلایل آن را به شرح ذیل می‌داند:

۱- اولین و مهم‌ترین صحنه نبرد و درگیری عرب‌های مسلمان با ایرانیان در مناطق کُردنشین اتفاق افتاد. این منطقه جایی نبود مگر حلوان یا سرپل ذهاب فعلی. (۵) و نهاوند در قدیم چنین مرسوم بود که در جنگ‌ها از هر سپاه یک نفر که معمولاً پهلوان‌ترین افراد

آن سپاه محسوب می‌شد، از صفوف نیروهای خودی جدا شده و پس از رجزخوانی خود و نام پدر خود را معرفی می‌کرد و به تعبیر امروزی سلسله نیاکان خود را بر می‌شمرد و در انتهای این رجزخوانی طولانی خود را گُرد، به معنی دلاور و جنگجو و بی‌باک معرفی می‌کرد. با توجه به اینکه در الفبای عربی، حرف "ک" و "گ" به جای یکدیگر به کار می‌رود و واژه گُرد یا گُرد برای عرب‌ها مأنوس نبود، لذا کم‌کم ایرانیان را به نام گُرد شناخته و معرفی می‌کردند.

۲- دلیل دومی که دست‌نوشته استراسبون در کتاب ۱۵ بخش ۱۷ نوشته خود بیان می‌دارد که ایرانیان جوانان خود را به گونه‌ای تربیت می‌کردند که هم در گرما و هم در سرما در کوهستان و دشت و در باران و هوای نامساعد قادر به جنگ باشند. این تربیت یافتگان گُرداک<sup>۱</sup> نامیده می‌شدند. (۶) تاریخ‌نگاران عرب واژه‌های گُرداک، گرد و گُرد را در نوشته‌های خود برای نامیدن ایرانیان به کار می‌برده‌اند.

۳- شاهنامه فردوسی به‌عنوان یک کتاب حماسی که تاریخ اساطیری ایرانیان را به صورت شعر بیان کرده است، واژه گُرد و گُرد را به جای همدیگر به کار برده است.

۴- امروزه در زبان فارسی نیز، سرگُرد و گردان از واژه‌هایی است که در عرف نظامی به کار برده می‌شود و همان معنی دلاور و بی‌باک از آن استفاده می‌شود. وجود این واژه‌ها در زبان فارسی دلیل دیگری بر این مدعاست. بنابراین می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که وجود شواهد تاریخی و جغرافیایی موجود نیز فرضیه مینورسکی و نیکیتین مبنی بر کاربرد کلمه گُرد برای اولین بار به وسیله مورخان عرب را تأیید می‌کند.

علاوه بر آن، امیرشرف خان بدلیسی در کتاب تاریخی شرفنامه که حدود چهارصد سال پیش به زبان فارسی نوشته شده است (۹۷۶ ه.ش.) در موارد متعددی این فرضیه را که عرب‌ها برای اولین بار واژه گُرد را برای نام‌گذاری همه ایرانیان به کار برده‌اند، تأیید کرده است. (۷)

## کرد در گذر زمان

شواهد تاریخی نشان می‌دهد که اولین موج مهاجرت عشایر و قبایل از دشت ترکمنستان به فلات ایران از هزارهٔ چهارم قبل از میلاد تا هزارهٔ دوم صورت گرفته است که به آن "آزیاتیک"<sup>۱</sup> گفته می‌شده است. (۸) در آذربایجان و کردستان ایران و شمال عراق این اقوام تازه مهاجرت کرده به نام‌های سامرین<sup>۲</sup> یا گوتی<sup>۳</sup> و در لرستان و همدان فعلی به لولوبی‌ها<sup>۴</sup> و در مناطق جنوبی‌تر به "کاسی‌ها"<sup>۵</sup> مشهور بوده‌اند.

دومین موج اقوام مهاجر به فلات ایران، آریایی‌ها و یا "آر"ها می‌باشند. این اقوام از هزارهٔ سوم قبل از میلاد تا هزارهٔ اول پیش از میلاد دست به مهاجرت زده‌اند. (۹) بخشی از این مهاجران (حدود ۲۵۰۰ قبل از میلاد) به سمت درهٔ سند و پنجاب مهاجرت کرده‌اند. همان‌گونه که نام‌های گوتی، لولوبی و کاسی در تاریخ ناپدید می‌شوند، بتدریج نام‌هایی مانند آریائی، مادی<sup>۶</sup>، اورارتونی<sup>۷</sup>، پارسوامش<sup>۸</sup>، مانائی<sup>۹</sup>، خالدی<sup>۱۰</sup>، (۱۰۰۰ ق.م) و کاردو<sup>۱۱</sup> پدیدار می‌شوند. آریائی‌ها که سوارکاران ورزیده‌ای بودند و از اسب به‌عنوان یک ابزار جنگی به خوبی بهره می‌گرفتند، از طریق اضمحلال اقوام ساکن سلسله جبال زاگرس و یا ادغام آنها در فرهنگ خود، اولین سلسلهٔ پادشاهی را در هزارهٔ اول پیش از میلاد بنا نهادند. (۱۱) و بدین ترتیب در دههٔ دوم یا سوم قرن هشتم قبل از میلاد حکومت مانائی در اطراف دریاچه ارومیه یا کبودان شکل گرفت.

وسعت قلمرو این سلسله پادشاهی از شمال تا رودخانهٔ ارس و از جنوب تا همدان

1- Asiatic

2- Sumerians

3- Guti

4- Lullubians

5- Kassian

6- Madai

7- Urar tians

8- Parsumash

9- Mannai

10- Khaledi

11- Kardu

گسترده بود. یک قرن بعد حکومت مانائی جای خود را به امپراتوری ماد داد که از نظر فرهنگی و اقتصادی تا حدودی متکی بر حکومت قبل از خود بود. (۱۲)

قبایل پارسوامش<sup>۱</sup> از اطراف دریاچه ارومیه مهاجرت کرده و در جنوب غربی سلسله جبال زاگرس در شهر "انشان" یا "انزان" (۸۳۶-۸۴۴ ق.م) اسکان یافتند و در کمتر از دو قرن دومین سلسله پادشاهان ایرانی به نام "پارسیان" را بنا نهادند. سرزمین پارسها نام جدیدی بود که به فلات ایران داده شد. (۱۳)

بعضی از صاحب نظران مانند پروفیسور مَار و واسیلی نیکیتین اعتقاد دارند که اعقاب کُردهای فعلی مهاجران، آریائی نبوده‌اند بلکه اقوام بومی مانند آلاباریا<sup>۲</sup>، خارخار<sup>۳</sup> و اِلپی<sup>۴</sup> بودند که نژاد آنها به "بافت"<sup>۴</sup> می‌رسد. (۱۴) ولی این امر قابل انکار نیست که از هزارهٔ چهارم قبل از میلاد (۴۰۰ قبل از میلاد) اقوام متعددی جذب این سرزمین شده و در آن هضم شده‌اند و فرهنگ آنها به وسیلهٔ فرهنگ مسلط هند و اروپائی آریائی‌ها جذب و ادغام شده است. (۱۵) و اقوام ایرانی شده‌ای که در قلب سرزمین فعلی کُردها اسکان یافته‌اند، نیاکان کُردهای فعلی می‌باشند. (۱۶)

آمانابی<sup>۵</sup> و یا "مَردها" بنیانگذار اولین (یا دومین) سلسلهٔ پادشاهان ایرانی شدند که متشکل از تعدادی از قبایل منطقهٔ شمال غربی ایران بودند که در قالب یک فدراسیون قبایلی گرد آمده بودند و مدی‌ها یا مادها نامیده شدند (۶۷۵ یا ۷۱۵ ق.م). (۱۷)

هوخشتره پادشاه قدرتمند ماد در سال ۶۱۲ ق.م. برای اولین بار آشوری‌ها را شکست داد و نینوا پایتخت آنان را به تصرف در آورد. این واقعهٔ تاریخی مبنای تقویم کُردهای و مدی می‌باشد. (۱۸)

دومین و سومین امپراتوری ایرانی یعنی اشکانیان (۲۳۰-۵۵۹ ق.م) و ساسانیان (۶۵۲-۲۱۲ م) بدون هیچ تردیدی به وسیلهٔ قبایل ساکن سلسله جبال زاگرس تشکیل

1- Allabaria

2- Kharkhar

3- Ellipi

4- Bopheth



شده‌اند که اشکانیان از قبایل پارسوا و ساسانیان از عشایر شبانکاره بودند و تنها پارتی‌های شرق ایران از آریائی‌های سلسله جبال زاگرس نبوده‌اند، هرچند در منشاء آریائی آنها شک و شبهه‌ای وجود ندارد. (۱۹)

### کُردها تا زمان صفویان (۱۵۰۰-۶۵۰ م)

پس از ظهور اسلام و گسترش آن در ایران واژه "کُرد" بیشتر از سایر واژه‌های باستانی در زبان مورخان عرب دیده و شنیده شده است. با سقوط تیسفون پایتخت ساسانیان در سال ۱۶ (ه.ق.) باقی‌مانده سپاه امپراتور ساسانی در حلوان (سر پل نهاب) اقدام به جمع‌آوری سپاه و مقاومت در برابر مسلمانان نمود. ایرانیان اطراف یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی، آخرین مقاومت‌های خود را در منطقه کُردستان در مقابل سپاه اسلام انجام دادند و نهایتاً در سال ۱۸ (ه.ق.) مقاومت‌های نومیدانه آنها در هم شکسته شد و این اولین برخورد کُردها و ایرانی‌ها با مسلمانان بود. (۲۰) و شهرهای ایران یکی پس از دیگری به تصرف مسلمین در آمد. در سال ۱۰۸ (ه.ق.) طبرستان آخرین قطعه از سرزمین ایران بود که به دست اعراب مسلمان فتح شد و با سقوط سرزمین ایران مقاومت ایرانیان در قالب حمایت از مخالفان خلفای بنی‌امیه خود را نشان می‌داد.

با آغاز قیام عباسیان علیه امویان، ایرانیان (کُردها) تحت فرماندهی ابومسلم خراسانی به حمایت از عباسیان برخاسته و امپراتوری اموی را در سال ۱۴۸ ه.ق. (۲۱) ساقط و عملاً نقش عمده‌ای در تشکیل خلافت عباسی به مدت بیش از ۵ قرن داشته‌اند. (۲۲) در سال ۲۳۱ (ه.ق.) قیام‌های متعددی در اصفهان، جبال (لرستان فعلی) و فارس (استان‌های جنوبی ایران) صورت گرفت که گسترده‌ترین این قیام‌ها، قیام صاحب زنج در سال ۲۶۲ (ه.ش.) بود.

در کرمانشاه، لرستان، همدان، ایلام و قسمتی از خوزستان فعلی سلسله برزیکانی تأسیس شد که به مدت بیش از نیم قرن (۵۸ سال) داوم یافت و به حسنویه مشهور شدند. در خلال حاکمیت ترک‌های سلجوقی، خوارزمشاهیان، غزنویان و ... در ایران، تمام

حکومت‌های محلی بر چیده شدند و فقط عشایر شبانکاره حکومت محلی خود را به مدت حدود ۳۰۰ سال در فارس ادامه دادند (۷۵۶-۴۲۱ ش).

زکی بیگ مورخ کُرد (۲۳) حال و روز هم‌زبانان خود را در طول این پنج قرن، یعنی از قرن ۱۱ تا ۱۶ میلادی، این‌گونه توصیف می‌کند: "کُردان هرگز تلاش نکردند تا سلطه و یا اقتدار مستقلی از خود بر حکومت‌ها اعمال کنند و تعجب‌آور نیست که کُردها فعال‌ترین و علاقه‌مندترین افراد در صحنه کارزار در خدمت سلاطین تُرک یا خلفا (عباسی) و پشت و پناه آنان در روزگار سختی بوده‌اند."

### کُردها در عصر امپراتوری صفوی (۱۱۱۵-۹۸۴ ش)

با تشکیل امپراتوری عثمانی (۱۹۲۴-۱۲۹۹ م) و امپراتوری صفوی، زندگی و تاریخ کُردها بکلی دگرگون شد. زیرا مهم‌ترین جنگ‌های این دو امپراتوری قدرتمند در مناطق کُردنشین اتفاق افتاده است. امپراتوری عثمانی مدعی خلافت اسلامی به‌عنوان سومین سلسله خلفا در جهان اسلام را بود و با پیروزی‌های چشمگیر در بالکان، مصر و بین‌النهرین، تمامی مناطق غربی جهان اسلام تحت سلطهٔ آنان قرار گرفته بود و تنها مانع آنها برای توسعه سرزمین خود به سمت شرق جهان اسلام حکومت و امپراتوری صفوی بود. این اختلافات و درگیری‌ها میان دو امپراتوری به مدت بیش از دو قرن و نیم یعنی تا قرن بیستم ادامه پیدا کرد.

#### ۱- خط مشی امپراتوری عثمانی در کُردستان

امپراتوری عثمانی با تجربهٔ دو قرن حکومت بر اقلیت‌های قومی متعدد مانند عرب‌ها، صرب‌ها و سایر اقلیت‌های قومی در جنوب شرق اروپا و شمال آفریقا، خط مشی زیرکانه‌ای را در کُردستان اعمال نمود. او از یک شخصیت مشهور و روحانی کُرد به نام مولانا شیخ حکیم‌الدین ادریس بدلیسی که نفوذ زیادی روی سران عشایر و شاهزاده‌های امارات متعدد کُردستان داشت، دست به اقدام تبلیغی وسیعی زد و با

سفرهای متعدد و مذاکره با سران عشایر کرد، آنها را علیه پادشاه شیعی مذهب ایران، یعنی شاه اسماعیل صفوی بسیج کرد و آنان را کم‌کم درمقابل پادشاهان صفوی قرار داد. در سایه سیاست‌های زیرکانه دولت عثمانی و نفوذ معنوی ادریس بدلیسی حدود ۲۵ نفر از سران عشایر کرد و افراد برجسته علیه پادشاهان صفوی شوریده و نهایتاً به خلافت عثمانی پیوستند. (۲۴) و سلطان سلیم اول تحت شرایط ذیل حکومت محلی سران کرد را به رسمیت شناخت:

۱- سران کرد می‌توانند حکومت‌های محلی (نه مستقل) در حوزه عشایر خود اعمال کنند و از نظر دولت عثمانی به رسمیت شناخته می‌شوند.

۲- هنگام جنگ دولت عثمانی با یک حکومت بیگانه، افراد موظفند حکومت مرکزی را با تفنگ و تفنگ‌چی و سایر ملزومات یاری کنند.

۳- رهبران کرد موظفند سالانه مقداری وجه نقد به دولت عثمانی به‌عنوان هدیه پرداخت کنند. (۲۵)

بدون تردید این واقعه تأثیر عمده‌ای در زندگی و تاریخ کرد برجای گذاشت.

## ۲- سیاست صفویه در مورد کردها

برعکس سیاست دولت عثمانی، صفویان با تکیه بر مذهب شیعه سران عشایر را از سیمت سنتی خود عزل کرده و به جای آنها بزرگان قزلباش ایل شاهسون را به جای آنها گماردند. (۲۶) خط مشی دولت عثمانی و صفوی نتایج خود را در جنگ چالدران در شهریور ۹۸۳ ه.ش (۲۳ اگوست ۱۵۱۴ م) نشان داد و سلطان سلیم به کمک نیروهای کرد شکست سختی را بر شاه اسماعیل صفوی وارد آورد و برای اولین بار در تاریخ مردم کرد، مناطق کردنشین تجزیه و ۲/۳ این مناطق از سرزمین آبا و اجدادی گردان جدا و تحت حکومت عثمانی قرار گرفت. (۲۷)

درگیری‌های مرزی نه تنها تا پایان حکومت صفویان ادامه یافت بلکه در دوران قاجار نیز تا سال ۱۹۱۴ م، یعنی جنگ جهانی اول، این خصومت‌ها تداوم یافت و بدین ترتیب

جنگی که در قرن ۱۶ آغاز شده بود نهایتاً با عقد قراردادی بنام 'سور' در آن تاریخ مرز بین ایران و عثمانی ترسیم و تثبیت گردید.

اگرچه سیاست دولت‌های بعدی صفوی تغییر کرد و عملاً بخش اعظم سپاه شاه عباس صفوی را اکراد تشکیل می‌دادند و سردار مشهور ایشان الله‌وردی خان از اکراد بود اما در مقابل دولت عثمانی هم سیاست‌های متغیری را در کُردستان اعمال می‌کرد. هر دو امپراتوری سعی می‌کردند با انواع پاداش‌ها و واگذاری تیول و اقطاع به شاهزادگان و بزرگان کُرد از آنها به عنوان ابزاری در مقابل حریف استفاده کنند و این سیاست‌ها باعث شده بود که اکراد حداکثر استفاده را از این اختلافات برده و دامنه نفوذ خود را حتی فراتر از حوزه‌های سنتی عشایر خود نیز افزایش دهند. (۲۸)

### کُردها در عصر زندیه

در عصر زندیه کُردها موفق شدند برای چهارمین مرتبه در ایران یک سلسله کُرد نژاد را تأسیس و زمام امور امپراتوری را به دست گیرند و شیراز را پایتخت خود قرار می‌دهند. (۲۹) دبیر قبلی حزب دمکرات کُردستان در کتاب خود در این زمینه نوشته است: "در چهارصد سال گذشته این دوران یکی از طلائی‌ترین و پرثمرترین دوره در زندگی کُردها می‌باشد." (۲۸)

### کُردها در قرن ۱۹ و ۲۰

در ابتدای قرن ۱۹ حکومت قاجار و عثمانی سیاست خود در کُردستان را بر مبنای خاتمه دادن به امارت‌های محلی نیمه مستقل کُرد قرار دادند. حکومت‌های محلی اردلان، لرستان و مکریان در ایران و بدلیس، هکاری بوتان، سوران و بادینان در قلمرو عثمانی واپسین روزهای حیات خود را سپری نموده و این مناطق مستقیماً توسط حکومت مرکزی یا حکمرانانی از مرکز اداره می‌شدند. (۳۱) در پایان این قرن فدراسیونی از ایلات منگور، مامش، پیران، بالدک تشکیل و بعضی از این عشایر شیخ عبیدالله شمزینی را در قیام ۱۹۹۸۰ م علیه دولت مرکزی ایران یاری کردند. (۳۲)

دومین حادثه تاریخی در زندگی کُردها بعد از جنگ جهانی اول و با فروپاشی حکومت عثمانی اتفاق افتاد که منجر به تقسیمات جدیدی در بقایای قلمرو حکومت عثمانی به شرح ذیل گردید:

الف) قسمتی از کُردستان عثمانی که دارای معادن نفت بود، تحت‌الحمایه حکومت جدید تأسیس عراق قرار گرفت.

ب) دومین قسمت نزدیک رودخانه فرات<sup>۱</sup> و جزیره ابن عمر (سزر) و نصیبین تحت حکومت جدید سوریه قرار گرفت.

ج) قسمت زیادتری از این قلمرو نیز تحت سلطه حکومت ناسیونالیست ترک‌های جوان قرار گرفت.

شکل‌گیری مرزهای جدید در منطقه کُردستان، اقتصاد و حیات سیاسی کُردان را به شدت تحت تأثیر قرار داد، به‌ویژه آنکه تکیه عمده اقتصاد این منطقه بر رمه‌گردانی بود. (۳۳) در ایران نیز برای اولین بار حکومتی کنترل دولت مرکزی را بعهدہ گرفته بود که ریشهٔ عشایری نداشت. رضا شاه برای تشکیل یک حکومت مرکزی مقتدر سیاست سرکوب عشایر و مخصوصاً سران آنان را در تمام مناطق ایران به اجرا گذاشت و فشارهای متعددی را بر گروه‌های قومی ایران مانند لرها، عرب‌ها، بلوچ‌ها و ... اعمال نمود. در واقع رژیم تازه تأسیس پهلوی تداعی کننده قتل و غارت و تبعید و کشتار دسته‌جمعی برای اقوام مذکور بود. (۳۴)

در خلال جنگ جهانی دوم، حکومت رضاشاه به‌عنوان متحد آلمان نازی از طرف متفقین سرنگون و اشغال ایران و جایگزینی محمدرضا به جای پدرش رضا شاه، بحران اجتماعی گسترده‌ای را در ایران دامن زد و این امر منجر به تشکیل حکومت‌های خودمختار مهاباد و آذربایجان در ایران گردید که بحث دیگری را می‌طلبد. (۳۵)

## پراکندگی جغرافیایی و جمعیتی کردهای ایران

### الف) پراکندگی جغرافیایی

لغت کُردستان به معنی مناطقی که کُردها در آن زندگی می‌کنند، برای اولین بار به وسیله سلطان سنجر سلجوقی به کار رفته و استان بزرگی به همین نام توسط وی تأسیس شد که شامل استان‌های کرمانشاه، همدان و لرستان فعلی می‌گردید و مرکز این ایالت شهر بهار قرار داده شد. (۳۶) حمدالله مستوفی در کتاب نزهت القلوب خود اشاره می‌کند که این استان دارای ۱۶ بخش بوده است. (۳۷) صفویان این منطقه بزرگ را مجدداً برای اداره بهتر تقسیم و همدان و لرستان را از آن جدا کردند. (۳۸)

در تقسیم‌بندی رسمی فعلی در ایران مناطق کُردنشین به شش استان تقسیم شده است که شامل کرمانشاه، ایلام، لرستان، همدان، کُردستان و آذربایجان غربی (بخش‌های کُردنشین آن) می‌باشد. ولی اگر تقسیم‌بندی زبانی و قومی مد نظر باشد، تقسیم‌بندی فعلی باید تا مناطق دور دست گسترش یابد.

مورخان برجسته معتقدند که کُردها به چهار گروه عمده تقسیم می‌شوند؛ کُرمانج، لُر، کلهر و گوران (۳۹) که کُردنشینان در کُردستان عراق، ترکیه و آذربایجان، لرستان، اصفهان، کرمانشاه، ایلام تا بخشی از خوزستان و فارس، زندگی می‌کنند و کلهرها در کرمانشاه پراکنده‌اند. گوران‌ها که شامل شش عشیره عمده قلیخانی و ... می‌باشند. اغلب در غرب استان کرمانشاه پراکنده‌اند. لک‌ها در استان‌های همدان، اراک (۴۰) و شمال شرقی عراق پراکنده‌اند و ایلات سیاه منصوری، چگینی و زنگنه از عشایر عمده آن محسوب می‌شوند. (۴۱)

### ب) جمعیت کُردها

برآورد جمعیت کُردها براین فرض استوار است که مناطق کُردنشین را به چه سرزمین‌هایی اطلاق کنیم. وقتی مرزهای کُردستان مشخص نباشد، در نتیجه برآورد جمعیتی آن هم چندان درست نخواهد بود. برخی از محققان و کُردشناسان که تعداد

زیادی از مورخان برجسته مانند صاحب شرفنامه، احسان نوری، مردوخ کُردستانی و رشید یاسمی در بین آنان وجود دارد، معتقدند تمامی ساکنان سلسله جبال البرز و زاگرس کُرد هستند که فقط زبان بخشی از آنها، یعنی آذری‌ها، به علت حوادث تاریخی تغییر کرده است. در این چشم‌انداز به جز معدودی از مردم ایران زمین مانند عرب‌ها و بلوچ‌ها، جمعیت کُردها حدوداً با جمع ایران برابری می‌کند، یعنی حدود ۶۰ میلیون نفر. اگر با تقسیم‌بندی شرفنامه در باب پراکندگی کُردها موافق باشیم، به نظر ایشان در حال حاضر جمعیت ده استان آذربایجان غربی، کُردستان، کرمانشاه، ایلام، لرستان، همدان، اراک، کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال بختیاری و فارس کُرد می‌باشند. با این تقسیم‌بندی جمعیت فعلی کُردهای ایران حدود ۱۶ میلیون نفر می‌باشند. (۴۲)

اگر تقسیم‌بندی افرادی مانند قاسملو و گردانندگان مجله بین‌المللی مطالعات کُردی را بپذیریم که از شمال رودخانه دزرا (۴۳) مناطق کُردنشین می‌باشند، جمعیت کُردهای ایران ۸ میلیون نفر برآورد می‌شود. (۴۴) هم‌چنین در صورتی که برآورد و نظریه رابرت کندال را آن‌گونه که در کتاب "کُردها" آمده است مبنای برآورد جمعیتی خود قرار داده (۴۵) و بخش کُردنشین آذربایجان غربی (۲۷ درصد)، کُردستان، کرمانشاه و ایلام را مد نظر قرار دهیم، رقم جمعیت کُردها حدود ۴/۵ میلیون نفر می‌باشد. (۴۶) و بالاخره در صورتی که معیار کُرد بودن را مذهب یا تمایلات ناسیونالیستی کُردی (کُردایتی)، آن‌گونه که بعضی از ناسیونالیست‌های کُرد (مثل جمال بنز) معتقدند (۴۷) قرار دهیم، در این صورت جمعیت کُردهای مقیم ایران در مناطق کُردنشین آذربایجان غربی و استان کُردستان، بدون در نظر گرفتن جمعیت قروه و بیجار و اضافه نمودن جمعیت پاوه، جوانرود و روانسر، کمتر از ۲/۵ میلیون نفر می‌باشد. (۴۸)

البته پراکندگی کُردهای ایران اختصاص به مناطق یاد شده ندارد بلکه در مناطقی از شمال خراسان مانند بیرجند و قوچان، اطراف شیراز، ورامین، تهران و زاهدان و سایر شهرهای ایران هم جمعیت کُرد زبان زندگی می‌کنند که به علت نبودن آمار دقیق و عدم بروز علائمی که از اکثریت جامعه خود را جدا بدانند در این آمار منظور نشده‌اند.

**مذهب**

بحث از مذهب در کردستان ایران بدون توجه به ویژگی مذهب، قبل از ظهور اسلام در ایران و مناطق گردنشین ناقص به نظر می‌رسد. بدون شک مذهب غالب در کردستان همانند سایر نقاط ایران، زرتشتی بوده است. زرتشت به روایتی در سال ۶۶۰ ق.م. در ارومیه به دنیا آمد. احسان نوری معتقد است اغلب شرق‌شناسان تاریخ تولد زرتشت را ۸۰۰-۱۲۰۰ قبل از میلاد می‌دانند.

بنا به روایت مورخان، تبلیغات زرتشت در زادگاهش مورد استقبال قرار نگرفت و ناچار برای تبلیغ به سیستان و بلخ سفر کرد ولی نهایتاً به زادگاه خود برگشته و کتاب مقدس اوستا را به زبان "مادری" به رشته تحریر در آورد. (۴۹) بعضی از روشنفکران و شرق‌شناسان، معتقدند زرتشت نام نیست، بلکه صفت بزرگان دین می‌باشد که مبلغ آیین زرتشتی بوده‌اند. زرتشت مرکب از سه کلمه "زر" + "تشت" + "ر" می‌باشد که به معنای اشعه طلایی خورشید می‌باشد.

زرتشتیان معتقدند نام اولین زرتشت، مهاباد بوده و نام دومین زرتشت هوشنگ و نام آخرین زرتشت ابراهیم بوده است. امروزه گروه‌های "ایزدی" یا به تعبیر غلط "یزیدی" رهبر دینی خود را "زرتشت" و "تمد" به معنی مغ بزرگ می‌نامند که جانشینی آن به ارث به پسر بزرگ‌تر می‌رسد. (۵۰) وجود آتشکده بزرگ و مقدس آذرکشمپ (آتش پادشاهان) در مجموعه باستانی تخت سلیمان نزدیک تکاب که امپراتوری ساسانی پای پیاده برای عبادت به آنجا مراجعه می‌کرده‌اند، هم‌چنین معبد آناهیتا در کنگاور و آتشکده پاره از دیگر شواهدی است که نشان می‌دهد گروه‌ها همانند سایر ایرانیان پیرو دین زرتشت بوده‌اند. (۵۱)

کشف پوست نوشته‌ای توسط باستان‌شناسان در سلیمانیه عراق که بر روی آن به زبان پهلوی وضعیت زرتشتیان را هنگام ظهور اسلام در قالب چهار بیت به زبان کردی



به شکل زیبایی به رشته تحریر در آورده است، نشان می‌دهد تئوری زرتشتی بودن آیین کُردان هنگام ظهور اسلام و قبل از آن صحت دارد. (۵۲)

پس از ورود دین اسلام به ایران، این دین در اغلب مناطق کُردنشین با استقبال روبه‌رو شد، ولی این آیین در اقلیتی از زرتشتیان در غالب دین ایزدی یا یزیدی در کُردستان ادامه پیدا کرد. (۵۳)

پروفسور ان مار معتقد است لغت "ایزدی" در زبان ایرانی نامی است که برای "خدا" به کار برده‌اند. جماعتی معتقدند که دین ایزدی به وسیله شیخ عدی یا هادی که در نزدیکی کوه سنجار در سال ۴۵۷ یا ۴۵۲ ه.ش به دنیا آمد، بنا نهاده شده است و بعد از فوت ایشان ایزدی‌ها یا یزیدی‌ها دچار انشعاب شده و جماعتی از آنها به عقاید باستانی خود باقی مانده‌اند و گروهی دیگر بخش‌هایی از عقاید باستانی خود را که با اسلام متناقض می‌دیده‌اند، رها کرده و با دیگر مسلمانان هم‌رنگ شده‌اند. عبادت این فرقه مذهبی که در صبحگاهان هنگام طلوع آفتاب به صورت مخفیانه با بوسه زدن به محل طلوع و تابش اولین اشعه خورشید در کوهستان انجام می‌گیرد و مخفی بودن این عبادت از منظر دیگران از دیگر علائمی است که نشان می‌دهد بخش زرتشتی عقاید این فرقه بسیار بارز و برجسته است. آنها معتقدند که کتاب مقدس آنها به نام "مصحف رش" یا "کتاب سیاه" در جزیره گم شده است.

به اعتقاد ایزدی‌ها این کتاب به زبان کُردی نوشته شده و تمام عبادات آن به زبان کُردی بوده است. هرچند عقاید این فرقه از مذاهب و آئین‌های متعددی حتی خرافاتی تأثیر پذیرفته است، ولی ستایش روشنایی و نور نشان می‌دهد که حضور عنصر زرتشتی در آن نمایان‌تر از سایر لایه‌های آن می‌باشد. (۵۴)

## اسلام

با ظهور اسلام اکثر کُردها به دین اسلام گرویدند. ولی در اینکه چند درصد از کُردها شیعه و چند درصد پیرو سایر فرق اسلامی می‌باشند، اختلاف نظر وجود دارد.

عده‌ای معتقدند که یک سوم از کردها شیعه و دو سوم از آنها سنی مذهب می‌باشند. (۵۵) ولی ادگار ایلنس معتقد است، ۸۵ درصد از کردها پیرو مذهب اهل سنت و فقط ۱۵ درصد پیرو مذهب جعفری می‌باشند اغلب شیعیان در مناطق گردنشین ایران سکونت دارند. (۵۶)

مارتین ون برونیس<sup>۱</sup> عقیده دارد، ۸۰ درصد از کردها پیرو مذهب اهل سنت و ۲۰ درصد شیعه می‌باشند که در جنوب گردستان ایران و عراق زندگی می‌کنند. (فیلی‌های عراق). به عقیده برونیس این اختلاف برآورد، ناشی از این است که کردهای ساکن استان‌های کرمانشاه، ایلام، همدان و لرستان هرگز نقشی در جنبش‌های ناسیونالیستی کرد نداشته‌اند اما تقسیم‌بندی کردهای ایران براساس برآوردهای آماری ۱۳۷۵، به این صورت است: کردهای آذربایجان غربی (۹۲۵/۰۰۰) و کردهای استان گردستان بدون احتساب شهرهای قروه و بیجار (۱/۰۳۱/۹۳۱) و همچنین کردهای شهرهای پاوه (۶۱/۹۱۸) و جوانرود (۱۰۲/۵۱۸) جمعاً ۲/۱۲۸/۳۶۷ نفر پیرو اهل تسنن می‌باشند. و جمعیت کردهای ایلام (۴۸۸/۰۰۰)، کرمانشاه بدون احتساب جوانرود و پاوه (۱/۶۰۷/۵۶۴) و شهر قروه (۱۹۹/۸۳۴) و بیجار (۱۱۴/۲۳۵) جمعاً ۲/۴۰۸/۶۳۳ نفر شیعه مذهب می‌باشند.

یعنی از جمع ۲/۵۳۸/۰۰۰ کردهای ایران ۵۳ درصد شیعه و ۴۷ درصد سنی هستند. البته برآورد بالا براساس نظرات افراطی‌ترین لایه‌های روشنفکری کردها می‌باشد. در صورتی که اگر جمعیت استان‌های همدان (به استثنای مناطق ترک‌نشین) و لرستان را به کردهای استان‌های کرمانشاه و ایلام اضافه کنیم از جمعیت ۶/۵ میلیون نفری کرد در این مناطق ۳۴ درصد پیرو مذهب اهل تسنن می‌باشند. (۵۷)

توزیع فراوانی جمعیت کردها در بین شعب مختلف اهل تسنن در گردستان ایران به این صورت است که حدود ۹۸ درصد کردهای ایران شافعی مذهب، حدود ۲ درصد حنفی

و حدود ۵ هزار نفر حنبلی مذهب می‌باشند. پیروان مذاهب حنفی و حنبلی بیشتر در عشایر ایل شکاک مشاهده می‌شود. (۵۸)

گرایش به فرق صوفیه در کُردستان ایران فراوان است، قادری‌ها (پیروان شیخ عبدالقادر در گیلان ۴۹۵-۴۱۶ ه. ش) و نقشبندی‌ها (پیروان محمد بهاء‌الدین نجاری ۷۶۸-۶۹۶ ه. ش) دارای بیشترین پیروان در این منطقه می‌باشند. (۵۹)

## زبان

براساس متون موجود فقط دو زبانِ ایرانیِ اوستایی و فارسی قدیم قابل مشاهده است. (۶۰) زبان‌های مانند مادی و سیتی فقط از طریق نام بردن آنها در سایر زبان‌ها شناخته می‌شوند. (۶۱)

ولی این غیر قابل انکار است که زبان مادی نقش عمده‌ای در زمینه‌سازی زبان‌های شمال غربی ایران داشته است.

کُردی یکی از زبان‌های مناطق غرب ایران است که متعلق به شاخهٔ ایرانی از خانوادهٔ زبان‌های هند و اروپایی می‌باشد. (۶۲)

ریشهٔ زبان کُردی، مادی یا اوستایی می‌باشد که به وسیلهٔ آریایی‌ها در حدود ۳۰۰۰ قبل از میلاد تکمیل می‌شده است. (۶۳) "رودیگر" و "راف، پته" معتقدند که زند ریشهٔ کُردی و فارسی است ولی مینورسکی معتقد است کُردی ریشهٔ تعداد زیادی از زبان‌ها است که از منطقه آتروپاکان (آذربایجان فعلی) به سایر مناطق سلسله جبال زاگرس منتقل و پراکنده شده است.

به‌رحال نقش عمدهٔ زبان مادی در شکل دادن به زبان کُردی غیرقابل انکار است. (۶۴) درامس تی‌تر، شرق‌شناس فرانسوی، معتقد است کُردی، پشتون و افغانی همه از زبان مادی به وجود آمده‌اند. (۶۵) اغلب متفکران معتقدند کُردی و فارسی ارتباط و پیوند محکمی باهم دارند به‌گونه‌ای که برخی گفته‌اند:

«کُردی خواهر فارسی است»، «کُردی شباهت زیادی به فارسی دارد»،

«کُردی قدیمی‌تر از فارسی است» و «کُردی از فارسی منشعب شده است». (۶۶)

تعداد زیادی از شرق‌شناسان معتقدند، کُردی زبان جدایی از فارسی نیست بلکه لهجه‌ای از لهجه‌های فارسی است. (۶۷)

درست برعکس دیگر متفکران نیکیتین (۶۸) معتقد است که کُردی و لهجه‌های گوناگون آن با فارسی فرق دارد. (۶۹)

تعدادی از متفکران معتقدند کُردی خالص‌تر از فارسی است. (۷۰) اگر تئوری نیکیتین، کینان و کندال که کُردی را یک زبان می‌دانند، بپذیریم، این زبان دارای پنج شاخه به شرح زیر است:

#### ۱- کُرمانج

به‌عنوان یک شاخه از زبان کُردی به وسیله تعدادی از شرق‌شناسان و ناسیونالیست‌های کُرد پذیرفته شده است (۷۱) کُردهای شمال شرقی ارومیه شامل عشایر شکاک، جلالی، میلان و زیلان به این زبان تکلم می‌کنند.

#### ۲- سورانی

به‌عنوان دومین شاخه از زبان کُردی به وسیله کُردهای جنوب دریاچه ارومیه و قسمتی از کُردستان و کرمانشاه تکلم می‌شود. (۷۲) منطقه‌ی که به زبان سورانی و یا گورانی تکلم می‌کنند بر هم منطبق است و چنین به نظر می‌آید که این دو شاخه از زبان یکی هستند اما به اسم‌های گوناگون به‌کار می‌رود.

#### ۳- کُورانی

سومین شاخه از زبان کُردی است که در کُردستان و بخشی از کرمانشاه بدان تکلم می‌شود. (۷۳) این شاخه از زبان کُردی به دو زیر شاخه به نام‌های لکی و هورامانی تقسیم می‌شود (مجله بین‌المللی مطالعات کُردی - همان شماره).

#### ۴- کلهر

چهارمین شاخه از زبان کُردی است که به زبان کُردی کرمانشاهی نیز مشهور و به وسیله کُردهای کرمانشاه و ایلام و بخش‌هایی از همدان و لرستان بدان تکلم می‌شود. (۷۴)

#### ۵- لری

شاخه دیگری از زبان کُردی است که در ایران اقوامی به همین نام با آن تکلم می‌کنند علاوه بر لرستان و مردم چهارمحال بختیاری، لرهای اصفهان، فارس و ... صحبت می‌کنند. (۷۵)

نمودار ذیل زبان کُردی و شاخه‌های آن را براساس کهن‌ترین اسناد تاریخی نشان می‌دهد.



با وجود مرزهای سیاسی موجود و علی‌رغم اینکه از جدایی اولین قسمت از کُردستان از سرزمین مادری در حدود چهارصد سال می‌گذرد، زبان فارسی به‌عنوان زبان رایج در کُردستان تحت سیطره عثمانی و بعداً عراق و سوریه بوده و حتی زبان مکاتبات رسمی بزرگان کُردستان با دربار عثمانی در مدت سه قرن فارسی بوده است. قدیمی‌ترین و مشهورترین کتاب یعنی شرفنامه هم به زبان فارسی نگاشته شده است. و هنوز هم شاعران بزرگ در کُردستان عراق و ترکیه دیوان اشعار خود را به زبان فارسی می‌سرایند برای مثال به دیوان شیخ رضا طبالبائی و ملاخدر یا خضر ۱۲۷۳-۱۲۱۵ ه.ق می‌توان مراجعه کرد.

در کنار قرآن، دوبیتی‌های باباطاهر، دیوان حافظ و سعدی و مولوی و شاهنامه در

اغلب خانه‌های مناطق کُردنشین ترکیه و عراق یافت می‌شود. (۷۶) و این امر از پیوند ناگسستنی و جاودانه زبان کُردی و فارسی حکایت می‌کند.

مقاله را با غزلی از ملاخدر به پایان برده و این اشعار را از مقدمه کتاب کُردها کندال

به‌عنوان حُسن ختام نقل می‌کنم:

ابسروان تو طیبیبان دل افگارانند	هر دو پیوسته از آن بر سر بیماراند
نرگسان تو که خواب از همه عالم بردند	خفتگانند ولی رهزن بیدارانند
گنج رخسار تو دیدن نبود زهره مرا	که ز زلف تو بر آن خفته سیه مارانند
ما هزاران ز غمت خسته و ناکام، ولی	کامیاب از گل روی تو خس و خارانند
تو نه تنها به غم عشق دچاری "نالی" (۷۷)	هر کجا می‌نگری جمع گرفتارانند



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع و یادداشتها:

1- Mustafa Barzani, "Speech presented to the congress of the kurdish exiles in the Saviet Union", january 19, 1998, *International Journal of kurdish studies*, vol. 11, No. 1-2, 1998, PP. 33-48.

2- Mavtin van Bruinessen, "Kurdish society, ethnicity, nationalism and pefugee", *The Kurds*, Ed. philip G.Kreyenbroek and Stefan Syerl, London, Routledge, 1992.

۳- واسیلی نیکیتین، *کرد و کردستان*، ترجمه محمد قاضی، تهران، نیلوفر، ۱۳۶۶.

4- Edgav, O.Ballance, *The kurdish struggle (1920-1994)*, London, Macmillan press Ltd, 1996.

نیز ن.ک. به: درک کنیان، *کردها و کردستان*، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران، نگاه، ۱۳۷۲، ص ۲۱.

5- Mohammad Amin, Zaki Beg, "A Brief History of Kurd and Kusdieta", *Kurdish Studies*, vol. 10, No. 1-2, 1996, PP. 105-115.

۶- احسان نوری، *تاریخ ریشه نژادی کرد*، تهران، سپهر، ۱۳۳۳، نیز ن.ک. به: رشید یاسمی، *کرد و پیوستگی نژادی و تاریخ او*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.

۷- امیر شرفخان بدلیسی، *شرفنامه (تاریخ مفصل کردستان)*، به کوشش محمد محمدی لو عباسی، تهران، علمی، ۱۳۶۴، صص ۲۹-۲۱.

۸- احسان نوری، همان، صص ۱۹-۱۰.

۹- رقیه بهزادی، *مردم کمتر شناخته شده آسیای میانه*، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳.

۱۰- رقیه بهزادی، همان.

۱۱- درک کنیان، همان.

۱۲- رقیه بهزادی، همان.

۱۳- جهت اطلاع بیشتر ن.ک. به: امیر شرفخان بدلیسی، همان، نیز ن.ک. به: رقیه بهزادی، همان.

۱۴- امیر شرفخان بدلیسی، همان.

۱۵- واسیلی نیکیتین، همان، صص ۶۰-۵۴.

۱۶- درک کنیان، همان.

۱۷- در مجله آسیای میانه و قفقاز آمده است سلسلهٔ مآدها در سال ۷۰۸ ق.م تشکیل شده است.

۱۸- احسان نوری، همان، نیز ن.ک. به: رشید یاسمی، همان و رقیه بهزادی، همان.

۱۹- محمد مردوخ کُردستانی، "تاریخ کُردستان و توابع آن"، مجله آسیای میانه و قفقاز، شماره ۱،

۱۳۵۱.

20- *Ibid*, PP. 105-156.

نیز ن.ک. به: رشید یاسمی، همان.

۲۱- نویسندهٔ شرفنامه معتقد است حکومت عباسیان در سال ۱۲۸ ه.ش تشکیل شده است.

۲۲- امیر شرفخان بدلیسی، همان، نیز ن.ک. به: رشید یاسمی، همان و

*Ibid*.

23- *Ibid*, P. 119.

۲۴- مردوخ کُردستانی، همان، نیز ن.ک. به: رشید یاسمی، همان و

*Ibid*.

۲۵- مردوخ کُردستانی، همان، جلد دوم، صص ۴-۲.

۲۶- مردوخ کُردستانی، همان، نیز ن.ک. به: رشید یاسمی، همان.

۲۷- حسن ارفع، ۱۹۶۰، نیز ن.ک. به: حمیدرضا جلالی پور، علل تداوم بحران کُردستان بعد از

انقلاب اسلامی، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲.

- عبدالرحمن قاسملو، کُرد و کُردستان (یک بررسی اقتصادی و سیاسی)، ترجمه رضا

خیری مطلق، استانداری آذربایجان غربی، منتشر نشده است.

- مصطفی تاریخی، مقدمه‌ای بر مسائل سیاسی کُردستان، تهران، دفتر مطالعات استراتژیک سپاه،

۱۳۶۷.

28- David Mc Dowall, "The Kurdish Question: A Historical Review", *The Kurds*, Philip G. Kreyenbroek and Stefan Syerl, London, Routledge, 1992.

29- International Journal of Kurdish studies, *Ibid*.



- ۳۰- عبدالرحمن قاسملو، همان.
- ۳۱- محمدامین صالح، کرد و عجم (تاریخ سیاسی کردهای ایرانی)، ترجمه رضا خیری مطلق، ارومیه، (منتشر نشده).
- ۳۲- اسکندر غوریانس، قیام شیخ عبدالله شمزینی در عصر ناصرالدین شاه، به کوشش عبدالله مردوخ کردستانی، تهران، دنیای دانش، ۱۳۵۶.
- ۳۳- مصطفی تاریخی، همان.
- 34- International Journal of Kurdish Studies, *Ibid*.
- 35- David Mc Dowall, *Ibid*.
- ۳۶- احسان نوری، همان.
- ۳۷- رشید یاسمی، همان.
- ۳۸- احسان نوری، همان.
- ۳۹- امیر شرفخان بدلیسی، همان.
- ۴۰- عبدالله مردوخ کردستانی، همان.
- ۴۱- امیر شرفخان بدلیسی، همان.
- ۴۲- سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۷۵.
- ۴۳- عبدالرحمن قاسملو، همان. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۴۴- سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۷۵. ایران جامع علوم انسانی
- ۴۵- رابرت کندال و دیگران، کردها، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران، روزبهان، ۱۳۷۲.
- ۴۶- سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۷۵.
- ۴۷- جمال بنز، کرد کیست، ترجمه جلال ملک‌شاه، ارومیه، انتشارات صلاح‌الدین ایوبی، (منتشر نشده).
- ۴۸- سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۷۵.
- ۴۹- واسیلی نیکیتین، همان، نیز ن. ک. به: عبدالله مردوخ کردستانی، همان.
- ۵۰- احسان نوری، همان، ص ۷۹.

۵۱- رشید یاسمی، همان.

۵۲- عبدالله مردوخ کُردستانی، همان، نیز ن.ک. به: رشید یاسمی، همان.

۵۳- رشید یاسمی، همان.

۵۴- رشید یاسمی، همان، ص ۱۲۹.

۵۵- جمال بنز، همان.

56- *International Journal of Kurdish Studies*, vol. 10, No. 1, 2, P. 3.

۵۷- سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۷۵.

۵۸- مصطفی تاریخی، همان.

۵۹- اسناد لانه جاسوسی آمریکا، نیز ن.ک. به: مصطفی تاریخی، همان و درک کنیان، همان.

60- Sims - William, Nicholas, "*The Iranian Language*", The indo - european Language, Ed, Anna giacdonc ramate and ..., Routledge, 1998, P. 127.

61- *Ibid.*

نیز ن.ک. به: واسیلی، نیکیتین، همان.

۶۲- احسان نوری، همان، نیز ن.ک. به: عبدالرحمن قاسملو، همان و امیر شرفخان بدلیسی، همان و

عبدالله مردوخ کُردستانی، همان و واسیلی نیکیتین، همان، صص ۱۷ و ۴۲ و ۴۴ و ۵۵ و ۵۸ و ۵۹ و ۵۸۵

و ۶۱۷ و مصطفی تاریخی، همان و رشید یاسمی، همان و مصطفی تاریخی، همان و درک کنیان، همان و

رابرت کندال، همان.

۶۳- عبدالله مردوخ کُردستانی، همان.

۶۴- واسیلی نیکیتین، همان.

۶۵- احسان نوری، همان و رابرت کندال، همان.

۶۶- اسناد لانه جاسوسی، ۱۹۷۹، نیز ن.ک. به:

*International Journal of Kurdish Studies*, No. 1.

۶۷- رشید یاسمی، همان، نیز ن.ک. به: واسیلی نیکیتین، همان و مصطفی تاریخی، همان و امیر

شرفخان بدلیسی، همان.

۶۸- واسیلی نیکیتین، همان، صص ۱۷ و ۳۳ و ۳۴ و ۵۸۵ و ۶۱۷.

۶۹- درک کنیان، همان، نیز ن.ک. به: رابرت کندال، همان.

۷۰- امیر شرفخان بدلیسی، همان، نیز ن.ک. به: مصطفی تاریخی، همان.

۷۱- امیر شرفخان بدلیسی، همان، نیز ن.ک. به: عبدالرحمن قاسملو، همان و عبدالله مردوخ

کُردستانی، همان و رشید یاسمی، همان و درک کنیان، همان و

*International Journal of Kurdish Studies, Ibid.*

۷۲- عبدالرحمن قاسملو، همان، نیز ن.ک. به: مصطفی تاریخی، همان و اسناد لانه جاسوسی

امریکا.

۷۳- امیر شرفخان بدلیسی، همان، نیز ن.ک. به: رشید یاسمی، همان و درک کنیان، همان و اسناد

لانه جاسوسی آمریکا و

*International Journal of Kurdish Studies, No. 11.*

۷۴- امیر شرفخان بدلیسی، همان، نیز ن.ک. به: عبدالله مردوخ کُردستانی، همان و رشید یاسمی،

همان و مصطفی تاریخی، همان.

۷۵- همان.

۷۶- واسیلی نیکیتین، همان، نیز ن.ک. به: رابرت کندال، همان و مصطفی تاریخی، همان.

۷۷- "نالی" تخلص ملاخدر می باشد.

پرتال جامع علوم انسانی



پڙو بشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی